

بلیت کنسرت ۵۰۰۰ تومانی!!

با نگاهی گذرا به قیمت بلیت‌های جشنواره‌های نثار، سپینا و موسیقی بهمن ۷۶ و مقایسه قیمت‌های باور نکردنی آن‌ها با سال‌های گذشته به نوبی هماهنگی ظاهراً از پیش طراحی شده بر می‌خوریم که به نوبی می‌توان این رفتار را بازاری مسنگی تعبیر کرد که با یک تلقین قیمت هر جنسی بدون دیدنشان تعیین می‌شود اقتصاد بازار نثار از درآمد مردم است. اگر مردم نجیب و فرهیخته و فشری که فرهنگ را امین می‌کنند و حامی آنند دم نمی‌زنند، از مسئولان محترم تلقاضا می‌شود که این امر را به تأیید روشنفکران طبقات متوسط و حتی کم درآمد که در ضمن فرهنگ‌جوست هم هستند تعبیر نفرمایند.

۵۰۰۰ تومان بلیت کنسرت ارکستر سمفونیک با ۲۰ نفر کاتر دعوت شده از اثری که آتش دهن سوزی هم نیستند و رنگ و لعاب و زرق و برق ناخن به لقیه یادآور مثال آفتابه لکن هفت دست شام و ناهار عجیب است. در آمد متوسط مردم چهل هزار تومان است.

قلب کنسرت روندها از خانواده‌های متوسط هستند. آگهی مرادخانگی سربست محترم مرکز موسیقی می‌ناریم که قلب سیستانگناری‌های موسیقی از طریق جنابعالی امسال می‌گردد و می‌ناریم که یک ریال از قیمت بلیت گیشه‌ها نیز به جیب جنابعالی نمی‌رود و سادوحی است اگر تعبیر شود که در این مملکت ترومی وجود ندارد ولی خاطر مبارک را به این مسأله جانب می‌کنیم که همتای فابی شما در رژیم گذشته یعنی منبرویکی برای دانشجوین و دانش‌آموزان با ارائه کورته تخفیف ویژه قابل می‌شد. کما این که کنسرت‌های فرهاد مشکوه با سمفونیک تهران قلب در دو سانس یکی به‌عنوان ظاهر با تخفیف ویژه و یکی از ساعت ۹ و ۱ شب به بعد بدون تخفیف و با لباس رسمی برگزار می‌شد. کنسرت‌های صبح و رستایل‌ها نیز شامل این مقررات تخفیف ویژه بودند. این در شرایطی بود که رژیم گذشته محض رست واپس‌روشنگری هم که شده سوسید خوبی به نثار روکنی سابق و اپرای تهران

پرداخت می‌کرد و در عوض مشکوه بر نامه فصلی و سلاسه ارائه می‌کرد کثیری که در همه جای دنیا است در ایران گلب ماهیت شده و به زرق و برق می‌شود لذا از محضر جنابعالی تلقاضا می‌کنیم. جیب دانشجوین، دانش‌آموزان و مردم فرهنگ‌جوست راح نموده و با تفکر استراتژیک‌کار جشنواره‌یی، بیشتر به مردم معمولی فکر کنید. انصاف ارکستر سمفونیک اگر بخواهند قبول نثار بستگان را دعوت کنند با حقوق دولتی‌یی که به پرداخت می‌شود مطمئناً قادر به این کار نبوده و عزیزان خود رو سفید نخواهند بود. شاید قیمت ۵۰۰۰ تومانی برای یکی دو سال آینده قابل پیش بینی باشد که باز هم برای کارهای فرهنگی گزافی خواهد بود. قلب مسلمان و مریبان محبت یک جلسه تفریح‌شان که حاصل سال‌ها است از این قیمت پایین‌تر است. به کجا می‌روند مرادخانگی انتقالت برمایند نثار وحدت مغازه موسیقی از جنس ریاضت رکود ناگزیر چند ماه را با قشر نادلی مردم و از حالا جیران نفرمایند. مسأله خیلی تحقیرآمیز است.

کیوان میرهادی - دستیار مدیر

درباره موسیقی فیلم «باران»

موسیقی فیلم باران ساخته احمد پژمان و به کارگردانی مجید مجیدی به حق شایسته ریتون جایزه اول فستیوال فیلم فجر را داشت زیرا بعد از صدت‌های مدید بالاخره شاهد صدگانگاری صرح موسیقی بیرونی صحنه‌های یک فیلم بودیم که به درک بهتر فضا کمک کرده و علاوه بر آن، موسیقی سولر صحنه نبود و بکه نازی نیز نمی‌کرد. دوم این که بخش موسیقی با *Baran* مناسب همراه بود که این پدیده نوبی عشق میدان شنوایی است که پاسخگوی صحنه‌های آف‌سرد و یا تزانیک است. انتخاب فلوت آگنو که کمی پوتر از فلوت کلبیدار استقلارد صما می‌دهد و ترکیب چوپانی و افری آن با رنگ نغمه‌یی هارپ (چنگ) و استفاده از سینتی‌سایزر در حالت پندل به‌علاوه صدای خواننده به سبک مغربی به نوبی هارمونی فراتر از هارمونی آکلتامیک ۱۲ نتی (موسیقی کاتولیک) می‌رسد و بالاخص به سبک *Music World* که آرمیزیه هوشمندانه از موسیقی‌های یومی و موسیقی اروپایی است نزدیک می‌گردد. امروزه نثار موسیقیشان در باغیان هارمونی برای موسیقی فولکلوریک قبول است که در ضمن تکریم بدون و پرخطراری از صدلولوی، مشافها خاصیت انتقام و ترکیب با سازهای سمفونیک را نیز

با ملاحظه چنین کوشش‌هایی در مقوله موسیقی زن هارمونیک به *Xenon* می‌گردد که *Xenon* یعنی معنای فشریبه و نامعلومه است. این کلمه اولین بار به وسیله تائور فلرک *hor Daneg* ابداع گردید که یک نوالی A نتی متناوب امروزی (آکتاوا) را خرد کرده و از برای از این نوالی را با بخش‌های کوچکتر صوتی خود طغیان‌دهد. مثلاً *do* می‌تواند به دو یا سه جزء دیگر که هم‌خانواده با آن هستند تقسیم گردد. وقتی به نیت به نوبی *do* یا نت فابی یعنی *do* نوسد بلکه همان *do* یا کترکس کستر و یا زاندر از *do* باشد. چنین بخش پذیری را امروزی میکروتونال یا *Micronotalism* می‌گویند که شمه مهم و گسترده موسیقی الکترونیک امروزی است. پس در یک آکتاوا میکروتونال از *do* تا *do* با فرکانس‌های مختلف می‌تواند جا بگیرد.

احمد پژمان با موسیقی فیلم باران نشان داد که نمانها از سلفه جمعی نسل خود - متولدین دو دهه اول ۱۳۰۰ هجری شمسی - که بنهون و آشناروس و هارمونی زن فابی و رموش باشد فراتر رفته بلکه به ترکیبی خوش‌ساخت و پست‌مدرن با حفظ هویت ملی در موسیقی فیلم و ژانر تصویری ایران رسیده است. وی

با ترکیبی ساده و روان و کم‌حجم و رنگ هوشمندانه سازی در همان صحنه‌های محدود در سهم موسیقی بوده ایم‌های به‌اندکشی و دلای خاطر پرتنده می‌گذارد. صحنه‌های کلیدی فیلم گویای تأثیر پذیری از آثار هارکوسکی است که با موسیقی صغدا ولی مولر پژمان و صدگانگاری نیز بسته محب فلانک این تائور فیلسف فاید روس کسرنگ صحنه‌های متکبر به الگوی اهرامی و شرقی می‌گردد. خواننده محقق و نیزهوشی را که مایل به *Music World* استفاده از در سینماست می‌آثار زیر لرغاع داد. موسیقی فابی‌های *Kandun* *Last Temptation of Christ* هر دو به کار سازترین اسکورسوزی - دیگر موسیقی فیا *The Sweet Hereafter* و *Calendar* کارگردانی آویم اگویان و دو اثر معروف از گروه *Can Dance* بر روی فابی‌های *Baraka* که موسیقی زیبای فیلم گلاب‌تائور مشافرا بارنوسی آثر فابی این گروه در زمینه موسیقی ایران است. کیوان است.